

«نیروی انسانی و اشتغال در چین»

از مجله: بین‌المللی مهاجرت

ترجمه: پرویز صاحبی

در کشور چین میزان بیکاری بسیار پائین است. اما این کشور در مناطق روستایی با تعداد معتناهی افراد جویای کار روبروست. سیاست‌های دولت، در جهت هدایت کارگران اضافی بخش کشاورزی و تشویق آنها به سمت مشاغل جنبی و مرتبط با کشاورزی است.

روستاییان مایلند در محل زندگی خود کار پیدا کنند. اما بسیاری از مناطق روستایی امکانات بسیار محدودی برای اشتغال آنها دارند. لذا کارگران اضافی این مناطق به ناچار بایستی روستا را برای پیدا کردن کار ترک کنند. بسیاری از روستاییان به طور دائمی مهاجرت نمی‌کنند، بلکه مهاجرت آنان به شهر به صورت موقت و یا فصلی است. این

جمعیت شناور در سالهای اخیر رو به افزایش است. مقاله حاضر به این مطلب می‌پردازد که شهرهای کوچک و بزرگ و نیز شهرک‌ها در این کشور می‌توانند سالانه میلیون‌ها نفر از کارگران اضافی مناطق روستایی را به سود مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر جذب کنند.

در دههٔ اخیر جمعیت بسیاری از کشورهای در حال توسعه به سرعت افزایش یافته است. در طول دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ رشد جمعیت فعال حتی از رشد کل جمعیت سریعتر بوده است. بدین لحاظ کوشش‌ها در زمینه اشتغال جمعیت فعال اغلب با شکست روبرو شده است. بر اساس سرشماری ۱۹۸۲ چین، در مجموع ۸۶ درصد از مردان و ۷۰

درصد از زنان بالاتر از ۱۴ سال، شاغل بوده‌اند. اما نکته مهم اینجاست که بسیاری از کارگران استخدام شده‌اند بدون این که کاری برای انجام دادن داشته باشند.

رشد مکانیزاسیون در کشاورزی، عدم استفاده بهینه از زمین‌های قابل کشت و بکارگیری نامعقول نیروی کار، موجب بروز بحران در مورد اشتغال روستایی شده است. به علت اشتغال ۶۷ درصد نیروی کار روستایی چین، پیش‌بینی‌های انجام شده در امر تولید محصول عمدتاً روی اشتغال روستایی صورت گرفته است. محافل رسمی و علمی، تعداد کارگران اضافی روستایی در دههٔ ۱۹۸۰ را بین ۶۰ تا ۱۵۶ میلیون نفر ذکر کرده‌اند. این رقم غیر از ۲۵۰

میلیون کشاورزی است که در حال حاضر در مزارع به کار مشغولند. برآوردهای دیگر حاکی از وجود ۱۰۰ میلیون کارگر روستایی اضافی در بخش کشاورزی است (این امر از مقایسه اشتغال واقعی با اشتغال لازم به دست آمده است).^(۱) سیاست بستن درب‌های مناطق شهری بر روی مهاجرت‌های روستایی، نواحی حومه شهری را مجبور به جذب نیروی کار جوان بومی نمود. علاوه بر این در طول انقلاب کشاورزی و متعاقب آن در فاصله سال‌های ۷۸-۱۹۶۸ سیاست عمومی مبتنی بر مهاجرت جوانان شهری (که نتوانسته بودند در منطقه خود اشتغال پیدا کنند) به مناطق روستایی بود. مناطق حومه شهرها مجبور بودند که حدود ۱۷ میلیون از جوانان ۱۳ الی ۱۹ ساله (Teenagers) شهری را جذب کنند. چین حتی قبل از پیدایش و شکل‌گیری جمهوری خلق در ۱۹۴۹، مواجه با فشارهای جدی جمعیت بر منابع و به خصوص زمینهای قابل کشت بود. اما از این تاریخ به بعد رشد سریع جمعیت در مناطق روستایی باعث کاهش شدید زمین‌های قابل کشت گردید. ایجاد کارخانه‌ها، سدها، تولید مسکن و احداث راهها باعث شد که بسیاری از زمین‌های حاصلخیز از گردونه کشت خارج شوند. این مسائل همراه با ممانعت دولت در مورد خروج کارگران اضافی از مناطق روستایی منجر به آن شد که سرانه زمین‌های قابل کشت (مقدار زمین قابل کشت به ازای یک کشاورز) به $\frac{1}{3}$ هکتار کاهش یابد.

«ترک زمین، نه ترک روستا»

اشتغال ظاهری ۲۵۴ میلیون کارگر یعنی دو سوم نیروی کار روستایی، در امر کشت محصول موجب کاهش بازدهی نیروی کار گردیده است. این امر بدان معناست که بسیاری از کارگران، بخش عمده‌ای از سال را به بیهودگی و بطالت می‌گذرانند. دولت چین معتقد است که اگر همه کارگران اضافی روستایی به مناطق شهری مهاجرت کنند یک فاجعه ببار خواهد آورد. سیاست دولت در مورد انتقال نیروی کار اضافی بخش کشاورزی آن بود که این نیروی کار را تا سرحد امکان نزدیک خانه و محل سکونت‌شان به کار بگمارد. اما این امر چگونه امکان‌پذیر بود؟ در حله اول با توجه به اصلاحات اقتصادی چین در سال ۱۹۷۸، این نیروی کار اضافی روستایی به طور تمام‌وقت و یا حداقل نیمه‌وقت در زمین‌ها و مشاغل مرتبط با کشاورزی نظیر دامداری، پرورش و تکثیر انواع ماهی، تولید مرغ و تخم‌مرغ، جنگلبانی و سایر زمینه‌های مرتبط با کشاورزی تشویق شده و سوق داده شدند. این امر نهایتاً می‌توانست درآمد خانوار روستایی را افزایش دهد. چراکه مشاغل مذکور معمولاً سودآورتر از کشاورزی هستند. همچنین بکارگیری این روش به متنوع‌تر شدن رژیم غذایی جمعیت روستایی کمک شایانی نمود، رژیمی که بیش از

بیش متکی بر مصرف غلات بود. گام بعدی در این زمینه آن بود که سعی شد تا کارگران اضافی روستایی، در مراکز صنعتی روستاها و شهرهای کوچک که در حال گسترش بودند، جذب شوند. بر طبق این سیاست، به موازات خروج کارگران اضافی روستایی از بخش کشاورزی، روستاها و شهرهای کوچک در جهت ساخت کارخانه‌ها و ایجاد صنایع ترغیب و تجهیز شدند. این کارخانه‌ها اغلب وسایل موردنیاز اهالی از قبیل ماشین‌های کشاورزی، لوازم خانگی و مصالح ساختمانی را تولید می‌کردند و گاهی اوقات نیز به تولید فرآورده‌های غذایی و کشاورزی می‌پرداختند. برخی از این کارخانه‌ها

مشاغل مذکور محدودیت‌های بسیاری وجود داشت). بنابراین میلیون‌ها نفر که کشاورزی را ترک کرده بودند به مشاغل خدماتی در مناطق روستایی روی آورده و مشغول به کار شدند.

«ترک زمین و ترک روستا»

مسائل و مشکلات متعددی در مورد به کار گماردن کارگران مازاد روستایی در مشاغل و حرف مرتبط با کشاورزی در محل زندگی آنان وجود داشت. بسیاری از کارگران به علت کمبود این قبیل مشاغل هنوز در بخش کشاورزی باقی مانده‌اند. بعضی از کارگران گرچه به لحاظ آماری در زمره‌ی



خصوصاً آنهایی که در استان‌های ساحلی قرار دارند کالا‌های خود را صادر می‌نمودند. این سیاست، سیاست موفق بود، بطوری که تا آخر سال ۱۹۸۷ حدود ۲۳ میلیون نفر در کارخانه‌های صنعتی مناطق روستایی مشغول به کار شدند. مرحله سوم سیاست‌های دولت در این زمینه، اتخاذ سیاست انعطاف و حتی فراهم آوردن تسهیلات در زمینه اشتغال روستاییان به مشاغل خدماتی نظیر حمل و نقل، فروشندگی جزء و خرده پا، مسکن، تعمیرات، بانکداری و ساختمان‌سازی بود (تا قبل از این در مورد اشتغال روستاییان در

کارگران روستایی موطن خود محسوب شده‌اند اما در واقع برای کار به محل دیگری مهاجرت کرده‌اند. به عنوان مثال از ۱۴ میلیون کارگرانی که در زمره کارگران شاغل در بخش ساختمان بشمار می‌آیند فقط ۵ میلیون نفر در بخش ساختمان در شهرها مشغول به کار بوده‌اند. همچنین بسیاری از کارگران روستایی شاغل در مشاغل خرده‌پای حمل‌ونقل و تجارت به شهرها مهاجرت نموده‌اند ولی جزو کارگران روستایی بشمار می‌آیند. البته در ارزیابی سیاست‌های مربوط به صنعتی کردن مناطق روستایی باید به رشد بخش خدمات هم توجه

داشت. آمارهای رسمی در این زمینه حاکی از آن است که ۸۱ میلیون کارگر غیرکشاورزی در مناطق روستایی وجود دارند در حالیکه میلیون‌ها نفر از آنها به شهرها و مشاغل شهری انتقال یافته‌اند. بنابراین، اطلاعات موجود در مورد مهاجرت در چین به میزان قابل ملاحظه‌ای مورد تردید می‌باشند. شاید یکی از دلایل این مسئله آن باشد که اغلب مهاجران خود را جزو جمعیت بومی قلمداد نموده‌اند. علاوه بر این در مورد تعریف شخص مهاجر نیز هماهنگی و توافق وجود ندارد (حتی در سرشماری ۱۹۸۷ نیز بسیاری از مهاجرت‌ها به ثبت نرسیده است). اما در مورد سیاست‌های چین مبنی بر باقی نگاه داشتن و بکار

مشکل جذب و اشتغال کلیه کارگران مازاد محلی در هر منطقه، دولت چین را وادار به تجدیدنظر و بررسی مجدد مهاجرت روستا به شهر به عنوان یکی از راه‌حل‌های این قضیه نمود.

گماشتن روستاییان در محل خودشان زیان‌های جدی وجود دارد. چراکه بسیاری از صنایع و کارخانه‌های صنعتی مناطق روستایی دارای سرمایه اندک بوده و از تکنولوژی پائینی برخوردارند. همچنین بسیاری از زمین‌های حاصلخیز کشاورزی نیز تصاحب شده است و کنترلی در مورد اعمال خلاف قانون مالکین آنها وجود ندارد. علاوه بر این با توجه به تمرکز صنایع در مناطق روستایی خطر آلودگی آب و هوای این مناطق نیز وجود دارد. نکته دیگر آن که با وجود بهبود سیستم حمل و نقل، و سرمایه‌گذاری بیشتر در صنایع روستایی، این صنایع هنوز قادر به رقابت با صنایع شهری نیستند و در واقع به نوعی منابع را به هدر می‌دهند. برخی از منابع رسمی در چین معتقدند که صنایع روستایی قادر به رقابت با صنایع شهری هستند چراکه به سرمایه کمتری نیاز داشته و هزینه دستمزد کارگر در آنها کمتر بوده و در پاسخگویی به نیازهای بازار قادرند به سرعت عمل نمایند.

مشکل جذب و اشتغال کلیه کارگران مازاد محلی در هر منطقه، دولت چین را وادار به تجدیدنظر و بررسی مجدد مهاجرت روستا به شهر به عنوان یکی از راه‌حل‌های این قضیه نمود.

در سال ۱۹۸۰ رهبران چین سیاست کنترل شدید و «جلوگیری از توسعه شهرهای بزرگ» را مدنظر خود قرار دادند و در این راستا سیاست نوینی تحت عنوان «توسعه تدریجی شهرهای متوسط و گسترش بیشتر شهرهای کوچک» را اتخاذ نموده و با این امر به طور فعالی برخورد نمودند. همگام با این سیاست، مهاجران روستایی به سمت

شهرهای کوچک سوق داده شدند. بطوری که در یک دوره ۲/۵ ساله یعنی از نیمه ۱۹۸۲ تا آخر ۱۹۸۴ جمعیت ۲۵۰۵ شهر کوچک چین از ۵۵ میلیون نفر به ۶۴/۶ میلیون نفر افزایش یافت. که ۸۱ درصد از این افزایش مرهون درون کوچی به این شهرها بوده است (حدود ۷/۸ میلیون نفر). در سال ۱۹۸۴ مهاجرت‌های دایمی از روستا به شهر تنها با موافقت استاندار هر ایالت انجام می‌گرفت. در واقع کشاورزانی که به قصد اشتغال در کارخانه‌ها و بخش خدمات به شهرهای کوچک مهاجرت می‌کردند، در صورت داشتن مسکن ثابت در شهر، از سوی آن ایالت یک شهروند دایمی محسوب می‌شدند. بنابراین تا قبل از سال ۱۹۸۴ هنوز اطلاعات کافی برای برآورد پیش‌بینی مهاجرت به شهرهای کوچک و شهرک‌ها در دست نیست و بعد از این تاریخ است که این اطلاعات به طور نسبی بهبود می‌یابند. اما مهاجرت از مناطق روستایی به شهرهای کوچکی که دائماً از نظر وسعت و محدوده در تغییر هستند دقیقاً به مثابه سطح بیرونی توده یخ شناور در آب است.

به نظر می‌رسد که اغلب مهاجرت‌ها از روستا به شهر غیرقانونی بوده است چرا که اغلب مهاجرین روستایی نوعی اقامت موقت در شهر را اختیار کرده و بدون داشتن مجوز برای سکونت دائم، در شهر زندگی و کار می‌کنند و در آمارها نیز در زمره کارگران روستایی محسوب می‌شوند. به علت وقوع اصلاحات اقتصادی در چین و نیز اتخاذ تدابیری در جهت تسهیل ایجاد شهرهای کوچک و شهرک‌ها، تعداد زیادی شهرهای کوچک در سراسر چین به وجود آمده‌اند که به جذب کارگران بخش کشاورزی و اشتغال آنان در بخش‌های تجارت، ساختمان و صنعت کمک شایانی نمودند. مهاجرت فصلی کارگران روستایی به منظور کار نیز می‌تواند تا حدی بیکاری آنها را به طور موقت حل کند. اخیراً منابع چینی به اطلاعات جالبی در مورد روند مهاجرت در این کشور دست یافته‌اند. به عنوان مثال از زمانی که چین اصلاحات اقتصادی خود را در دهه‌ی ۱۹۷۰ به مورد اجرا گذاشت ۵۰ میلیون نفر از روستاها به شهرها مهاجرت کرده‌اند که این رقم ۱/۱ جمعیت شاغل در چین را تشکیل می‌دهد. دولت چین سعی کرده است که کمبود اطلاعات مربوط به مهاجرت را با گنجاندن سئوالات متعددی در مورد مهاجرت در آمارگیری نمونه‌ای میانه سال ۱۹۸۷ پر کند. همچنین اداره امنیت ملی و سایر دوایر دولتی به انتشار اطلاعاتی در مورد مهاجرت‌های جمعیتی مبادرت نموده‌اند. در سال ۱۹۸۶ انستیتو تحقیقات جمعیتی با همکاری اداره آمار دولتی، دست به یک بررسی و تحقیق مشترک در مورد ۷۴ شهر و شهرک زدند. نتایج این بررسی نشان داد که هر چه منطقه شهری کوچکتر بود تعداد درون کوچهای مربوط به آن بیشتر بود.

تحقیق دیگری که در سال ۱۹۸۴ در مورد رشد جمعیت شهرهای چین انجام گرفت نشان داد که رشد ناشی از درون کوچی در کل جمعیت شهری این کشور معادل یک درصد بوده است. به عبارت دیگر سالانه ۱/۹ میلیون نفر از این طریق به جمعیت شهرها افزوده شده است. از سوی دیگر آمارگیری نمونه‌ای ۱۹۸۷ در مورد مهاجرت روستا به شهر رقم بسیار ناچیزی را نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های این آمارگیری تعداد افرادی که در طول ۸۲ - ۱۹۷۸ به طور دائم از مناطق روستایی مهاجرت کرده‌اند در حدود ۷ میلیون نفر بوده است. این مهاجران ۳/۶ درصد از جمعیت شهری ۱۹۸۷ را تشکیل می‌دادند. در واقع با تفریق مهاجران شهر به روستا از کل مهاجران، افزایش خالص جمعیت شهری (بر اثر مهاجرت) مساوی ۰/۸ درصد خواهد بود. بنابراین سیاست دولت مبتنی بر تشویق کارگران مازاد به مهاجرت از روستا و رفتن به سوی مناطق کوچک شهری است.

برخی از مهاجران به طور مستقیم به قصد شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند که ممکن است ابتدا در حومه شهر ساکن شوند ولی پس از چندی در شهر سکنی خواهند گزید. شاید این مسأله تا حدی ناشی از آن باشد که شهرداریهای این شهرها در مقابل ازدیاد روزافزون جمعیت و موج درون کوچهایی که به قصد سکونت دائم رو به این شهرها می‌آوردند با فشاری و مقاومت می‌کردند. به عنوان مثال استان Jiangsu در سال ۱۹۸۲ حدود ۷۰۰ هزار نفر مهاجر موقت داشت ولی این رقم در سال ۱۹۸۷ به ۲۵۰ هزار نفر رسید. بنا به اظهارات اداره امنیت ملی چین اکثر مهاجرت‌ها (اعم از دائمی و یا موقت) از روستا به سوی یک شهر کوچک که معمولاً چندان دور از محل سکونت مهاجر نیست، صورت گرفته است. ولی این مهاجرت‌ها عمدتاً در درون مرزهای استانی به وقوع پیوسته است.

نگاهی گذرا به آمارهای مربوطه نیز نکته اخیر را روشن‌تر می‌کند. بر اساس آمارهای دولتی ۹۲ درصد از مهاجرت‌ها در محدوده‌های استانی صورت گرفته است. تدابیر مختلفی در جهت سوق دادن مهاجرت‌ها به مناطق و شهرهای نزدیک اتخاذ شده است. چرا که مهاجرت به شهرهای دورتر مستلزم هزینه بسیار بالا است. گذشته از اینها معمولاً شخص مهاجر از نقطه نظر تهیه و تدارک مواد غذایی و سایر نیازهای خود در شهر، به خانواده و یا اقوامش متکی است.

علاوه بر این ممکن است وجود شخص مهاجر در فصل جمع‌آوری محصول در روستا ضروری باشد. مضافاً به این که سیاست دولت در جهت مهاجرت جمعیت روستایی به نزدیک‌ترین شهر است.

دولت چین در سال ۱۹۸۵ دستورالعمل‌هایی مبنی بر جمع‌آوری اطلاعات دقیق‌تر و کنترل بیشتر

در مورد مهاجرین موقت به مناطق شهری صادر نمود. که به موجب آن هر فرد شانزده ساله و بیشتر می‌توانست حداکثر تا ۳ ماه در شهر اقامت موقت داشته باشد و سکونت دائمی در شهر مستلزم کسب مجوز مخصوص بود. یک راه دیگر برای جذب کارگران مازاد روستایی، اشتغال فصلی آنان حتی در استانها و ایالات دوردست است. حتی بعضی از استانها به منظور اشتغال کارگران مازاد روستایی این نوع مهاجرتها را تشویق می‌کنند.

کارگران هر بهار از خانه‌هایشان در مشرق، شمال شرقی و جنوب به سمت غرب حرکت کرده و در زمستان به خانه مراجعت می‌کنند. در این میان بعضی از استانها کارگر بیشتری به سایر استانها می‌فرستند. مثلاً بر اساس گزارش استان Sichuan در سال ۱۹۸۷ حدود ۱/۶ میلیون نفر از کارگران اضافی بخش کشاورزی، این استان به منظور جستجوی کار در سایر استانها ترک کرده بودند. این رقم در استان Fujian معادل ۵۰۰ هزار نفر بوده که بیش از ۱/۳ آنها در بخش ساختمان مشغول به کار شدند.

همانطور که عنوان شد بعضی از استانها مهاجرپذیری بیشتری نسبت به سایر استانها دارند. به عنوان مثال به علت گسترش صنعت در استان Peat Rver Delta بیش از یک میلیون نفر از سایر استانها و نیز بخش‌های استان Gundong به این استان مهاجرت کرده‌اند. استان مذکور از نقطه نظر جذب و پذیرش کارگران مهاجر در مقام بسیار بالایی قرار داشته است. در واقع این مهاجرین کمبود نیروی کار در استان Delta را حل کرده‌اند. در نقطه مقابل، مهاجر فرست در بخش کشاورزی به طور محسوس کمبود نیروی کار به چشم می‌خورد. تا جایی که برخی از مناطق روستایی در استان Jiangsu جنوبی به علت کمبود نیروی کار حدود ۲۰۰ هزار نفر کارگر استخدام نموده‌اند.

در بعضی از موارد مهاجرت کارگران روستایی و خانواده‌هایشان با نظارت و برنامه‌ریزی دولت انجام می‌گیرد. مثلاً در سال ۱۹۸۲ مقامات دولتی چین تصمیم گرفتند حدود یک میلیون نفر را بتدریج از مناطق خشک و لم‌بزرع استانهای Gansu و Nixia به مناطق حاصلخیز در همان استان کوچ دهند.

در گزارش عملکرد مقامات استان Gansu در سال ۱۹۸۷ می‌خوانیم: «در این سال رویهمرفته این استان یک میلیون نفر از کارگران مازاد خود را که عمدتاً کشاورز بودند به سایر استانها فرستاد و مهاجرت کارگران مذکور اغلب از مناطق فقیر به دیگر مناطق صورت گرفته است.»

برخی از تحلیل‌گران چینی معتقدند که علاوه بر خروج حدود ۱۰۰ میلیون کشاورز (مازاد نیروی کار روستایی چین) تا سال ۲۰۰۰، ۱۰۰ میلیون نفر دیگر و یا بیشتر افرادی که در سالهای آینده در

بخش کشاورزی به کارشان نیازی نخواهد بود، به حکم ضرورت از گردونه بخش کشاورزی خارج خواهند شد. بعضی دیگر از محققین را عقیده بر آن است که بخش عمده‌ای از این کارگران مازاد روستایی می‌توانند جذب مشاغل مرتبط با کشاورزی شوند. اما دسته دیگر از تحلیل‌گران در مورد توانایی شهرها برای اشتغال تمامی این کارگران به دیده تردید می‌نگرند. به زعم این دسته (دسته‌ی اخیر) بسیاری از کارگران خارج شده از بخش کشاورزی برای پیدا کردن کار به شهرها مهاجرت خواهند کرد، چنانچه در سالهای اخیر اینگونه بوده است.

مدیران اغلب سعی می‌کنند با کارگران مازاد مدارا کنند. به این معنا که پرداخت حقوق به آنها را ادامه داده و از آنها می‌خواهند که به کارخانه نیایند، زیرا بیکاری و بیهودگی آنان روحیه کارگرانی را که کار می‌کنند تضعیف می‌کند.

در سال ۱۹۸۲ ده درصد از مشاغل جدید در مناطق شهری را کارگران مهاجر روستایی به خود اختصاص داده بودند. این رقم در سال ۱۹۸۷ به ۲۱ درصد افزایش پیدا کرد به طوری که کارگران مهاجر بسیاری از مشاغل شهری را در دست داشتند. مسأله مهم در این زمینه آن است که مناطق شهری چین احتمالاً نخواهند توانست بیش از این تعداد از کارگران مازاد روستایی را جذب کنند، چرا که این مناطق خود با مشکل بیکاری روبرو هستند. حتی اوضاع در بعضی از صنایع شهری به قدری اسف‌انگیز است که مدیران، اغلب سعی می‌کنند با کارگران مازاد مدارا کنند. به این معنا که پرداخت حقوق به آنها را ادامه داده و از آنها می‌خواهند که به کارخانه نیایند، زیرا بیکاری و بیهودگی آنان روحیه کارگرانی را که کار می‌کنند تضعیف می‌کند.

همچنین براساس آمارهای رسمی حدود ۲۰ میلیون نفر شاغل در کارخانه‌های شهری کاری برای انجام دادن ندارند. مسئولین چینی معتقدند که از جمله مشکلات و محدودیت‌های جذب کارگران در مناطق شهری ضعف مدیریت و عدم وجود امکانات کافی می‌باشد. وضافاً به اینکه بطور متوسط سالانه ۳/۲ میلیون نفر داوطلب جدید برای کار کردن در مناطق شهری افزوده می‌شود. اما علیرغم مسائل و مشکلات فوق‌الذکر در مورد جذب کارگران مازاد بخش کشاورزی، هنوز به دلایل متعدد سالانه میلیونها نفر کارگر روستایی جذب شهرها شده و بکار مشغول می‌شوند. علت این امر آن است که مناطق شهری نیاز فراوان به خدمات اولیه نظیر نظافت و خدمات شخصی و

خانگی دارند. شهرنشینان به مشاغل سطح بالا و راحت خو گرفته و نسبت به مشاغل طاقت‌فرسا توأم با ساعات کار طولانی و حقوق کم، رغبتی از خود نشان نمی‌دهند. در حالی که کارگران مهاجر روستایی به این قبیل مشاغل تمایل داشته و توانایی و آمادگی انجام آنها را دارند. بنابراین طبیعی است که در شهرها تقاضای زیادی برای کارگران روستایی وجود داشته باشد. مضافاً به اینکه باروری کل (T.F.R)^(۱) در جمعیت شهری از ۵ یا ۶ فرزند در دهه‌ی ۱۹۵۰ به ۳ فرزند در سال ۱۹۶۶ و دو فرزند در سال ۱۹۷۳ کاهش یافته است. بنابراین فقط یک جریان بزرگی از مهاجرت کارگران جوان روستایی خواهد توانست کمبود نیروی کار در شهرها را جبران کند. اگر سالیانه ۳ درصد از جمعیت روستایی واقع در گروه سنی ۱۵-۲۹ ساله به مناطق شهری کوچ کنند، تعداد جمعیت شهری در این گروه سنی برای طول دهه‌ی ۱۹۹۰ ثابت خواهد ماند. این امر برای مناطق روستایی به علت اشتغال بسیاری از کارگران مازاد روستایی و نیز برای مناطق شهری از نقطه نظر جبران کمبود نیروی کار جوان، مفید خواهد بود. علاوه بر این از جمله پیامدهای جمعیت‌شناختی و دموگرافیکی مهاجرت کارگران روستایی چین به شهرها، جلوگیری از سالخوردگی شدید جمعیت شهری می‌باشد (که کشور چین در دهه‌های بعدی به علت باروری پائین با سالخوردگی جمعیت روبرو خواهد بود). بنابر تمام دلایلی که گذشت در اقتصاد شهری چین خلایب وجود دارد که با مهاجرت میلیونها جوان روستایی به شهرها می‌توان آن را پر کرد. مشاغلی را که این مهاجران جوان تمایل به انجام آنها داشته و یا قادر به انجام آنها هستند غیرممکن است که با مشاغل درخواستی از سوی بیکاران شهری یکسان باشد. کاهش باروری شهری در دهه‌های اخیر اکنون سودمندی خود را در قالب اشتغال بیشتر روستائیان نشان داده است تا جایی که انتظار می‌رود در آینده شهرهای چین بتوانند جمعیت قابل ملاحظه‌ای از کارگران مازاد مناطق روستایی را به خود جذب کنند.

پی‌نوشت:

۱- اشتغال لازم با در نظر گرفتن مقدار زمین زیر کشت به ازای یک نفر کارگر و با توسط اطلاعات تصحیح شده مربوط به نیاز به کارگر بر حسب میزان محصول محاسبه می‌شود.

۲- متوسط تعداد فرزندان است که یک زن در طول دوره باروری خود (۴۹-۱۵ سالگی) از خود به جای می‌گذارد (Total

Fertility Rate)